

بازتاب داده‌های منابع اسلامی در باره ریاست جامعه یهودیان ذمی (رأس الجالوت) بیان هم‌دلانه ذهنیت‌های شیعی - یهودی در جوامع اسلامی

نگار ذیلابی*

چکیده

گزارش‌های منابع اسلامی درباره ریاست جامعه یهودیان ذمی (رأس الجالوت)، بیش از وجه صدق و کذب آن، نشان‌دهنده زاویه دید جوامع مسلمان و ذهنیت آنان درباره اقلیت‌های یهودی بوده است؛ مسئله‌ای که از منظر تاریخ فرهنگی و اجتماعی موضوع مقاله حاضر است. در این مقاله، با بررسی انتقادی و بازنمایی داده‌های منابع اسلامی درباره رأس الجالوت، تلاش شده است، براساس روش بافتارمندی‌سازی مجموع داده‌ها، ذهنیت مسلمانان به این مقام یهودی نشان داده شود. خواننده خواهد دید که مسلمانان مقام رأس الجالوت را مقامی علمی - مذهبی و عالی‌رتبه و، در عین حال، رازآمیز و مرتبط با قدرت‌های غیرمعمول، مثل قدرت پیش‌گویی، تلقی می‌کردند. تکرار روایاتی درباره پیش‌بینی شهادت حسین بن علی از سوی رأس الجالوت و ملامت مسلمانان در باب کشتن فرزند پیغمبرشان یا گزارش مناظرات علمی امامان شیعه با مقام رأس الجالوت، علاوه بر نشان‌دادن جایگاه مهم علمی آن، تاحدی نشان‌دهنده فضایی هم‌دلانه میان جوامع متقدم شیعی با جامعه یهودی بوده است.

کلیدواژه‌ها: تشکیلات اداری اهل ذمه، رأس الجالوت، منابع اسلامی، یهودیان، یهودیان و شیعیان.

* استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، n_zeilabi@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

۱. مقدمه

سازمان ریاست یهودیان ساکن در سرزمین‌های شرق اسلامی، موسوم به «رأس الجالوت»، از کهن‌ترین نهادهای سیاسی، دینی، و اجتماعی ریشه‌دار در تشکیلات سیاسی و اداری این مناطق است. رئیس جامعه یهودیان ساکن در سرزمین‌های شرق اسلامی با نام رأس الجالوت شناخته می‌شد. این نام ترکیبی است از واژه عربی «رأس» به معنی «سر» و واژه «جالوت» به معنی «تبعیدشدگان» (بیرونی ۱۳۸۰ ش: ۲۲؛ *The Jewish Encyclopedia 1901-1906: vol. 5, 288, s.v. "Exilarch"*; *Encyclopedia of Jews in the Islamic World 2010: vol. 2, 181, s.v. "Exilarch and Exilarchate"*). براساس اعتقادی رایج میان یهودیان و نیز مسلمانان، رأس الجالوت را از خاندان داوود و برخی از خاندان اسحاق می‌دانند (مسعودی بی تا: ۹۸؛ قیاس کنید با ابن حزم ۱۹۷۵ م: ۸؛ *The Jewish Encyclopedia 1901-1906: vol. 5, 288*) که این اعتقاد را که رأس الجالوت از خاندان اسحاق است رد کرده است. گفته شده که مسلمانان رأس الجالوت را با لقب «سیدنا ابن داوود» خطاب می‌کردند (دوری ۲۰۰۷ م: ج ۳، ۱۱۴).

براساس اشاراتی در عهد عتیق (دوم پادشاهان ۲۵: ۲۷-۳۰؛ *رمیا* ۵۲: ۳۱-۳۴)، گفته شده است که تشکیل نهاد رُش‌گالوتا مربوط به واپسین سال‌های تبعید یهودیان به بابل در سده ششم قبل از میلاد بوده است. با این حال، ظاهراً این قول، که تأسیس این نهاد به دوره اشکانیان در اواخر سده دوم میلادی بازمی‌گردد، از مقبولیت بیش‌تری برخوردار است (*The Jewish Encyclopedia 1901-1906: vol. 5, 288, s.v. "Exilarch"*).

هم‌زمان با ظهور اسلام، مرکز تجمع یهودیان هم‌چنان در بین‌النهرین بود و ریاست آن‌ها را بوستانای بن حنینای برعهده داشت (لوی ۱۳۳۹ ش: ج ۲، ۲۹۵). در میان یهودیان مشهور بوده است که در جریان فتوحات عمر بن خطاب (علی، علیه‌السلام) بوستانای را در مقام خود تثبیت کرد و یکی از دختران یزدگرد (پادشاه ایران) را، که به اسارت درآمده بود، به ازدواج او درآورد (برای اقوال گوناگون در این باره و نقد آن‌ها بنگرید به همان: ۳۲۵-۳۲۶؛ *Encyclopedia of Jews in the Islamic World 2010: vol. 2, 181-182; Judaica 1971: vol. 6, 1028; s.v. "Exilarch, During the Arab Period"*؛ برای اطلاع بیش‌تر درباره تشکیلات رأس الجالوت در دوره اسلامی نگاه کنید به ذیلابی ۱۳۹۲ ش: ۳-۱۵). براساس منابع یهودی، مقام رأس الجالوت ظاهراً تا عصر منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸) در خانواده بوستانای موروثی بوده است (لوی ۱۳۳۹ ش: ج ۲، ۳۳۱، ۳۴۴).

عمده اطلاعات مربوط به رأس الجالوت در منابع عبری و غیراسلامی آمده و داده‌های منابع اسلامی در این باره معمولاً نادیده گرفته شده است. شاید بازتاب رأس الجالوت در

منابع اسلامی و چگونگی بازنمایی این نهاد یهودی در ارتباط با تاریخ‌نگاری یهودی کم‌اهمیت به نظر برسد و در راستی آزمایی منابع مکمل هم چندان سودمند نباشد، اما از منظر تاریخ فرهنگی و از زاویه دید مسلمانان اهمیت دارد و می‌تواند برملاکننده بسیاری از نقاط مبهم فرهنگی در این باره باشد.

از میان رویکردهای متنوعی که در پژوهش‌های مربوط به اقلیت‌های دینی ساکن در سرزمین‌های اسلامی رایج است، نگارنده، در مقاله حاضر، با روش تحلیلی و رویکرد متن‌محور، از منظر هم‌سازی متقابل و تعامل اجتماعی جوامع اقلیت ذمی با گروه‌های مسلمان قلمرو اسلامی، به مسئله پژوهش نزدیک شده است؛ رویکردی که با شاخصه‌های اصلی متن‌محور بودن و تأکید بر ظرفیت‌های هم‌سازشونده اقلیت‌ها در جوامع مادر و نیز بیان سازوکار و چگونگی هم‌سویی چند گروه اقلیت در یک جامعه وجه امتیاز این پژوهش به‌شمار می‌آید و از این منظر دست‌کم در میان پژوهش‌هایی که به زبان فارسی درباره ذمیان ساکن قلمرو اسلامی نگاشته شده اثری بدیع به‌شمار می‌رود. در این رویکرد، بر جنبه‌های هم‌دلانه این گروه‌ها تأکید می‌شود؛ رویکردی که جامعه را واحدی هم‌ساز تلقی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در این واحد فرهنگی هم‌سویش‌از آن‌که اختلافات باورها و عقاید دینی بروز یابد، این تفاوت‌ها در کلیت فرهنگی جامعه هضم می‌شود و گروه‌های گوناگون تحت عوامل مؤثرتری مثل غلبه فرهنگ بومی و جغرافیای زیسته گرد هم یک واحد اجتماعی را شکل می‌دهند. از سوی دیگر، با تأکید بر متون و روایات طیف متنوعی از منابع اسلامی، تصویری که از رأس الجالوت، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مقام‌های یهودی، در این منابع ترسیم شده ارائه و تحلیل می‌شود. این تصویر و ذهنیت مؤلفان مسلمان - فارغ از اقتضای صدق و کذب و فارغ از این پرسش که آیا خبر از حاق واقع دارد یا خیر - خود گویای شیوه تفکر و ذهنیت جامعه اسلامی از این اقلیت و مباحث وابسته بدان است. هم‌چنین، در یک طیف از این سلسله روایات، اقلیت یهودی در کنار اقلیت شیعی خود جامعه هم‌بسته هم‌ساز دیگری را شکل می‌دهند که دست‌کم بر اساس اشتراک در اقلیت بودن یا هم‌دلانه‌ای از این دو گروه در این دسته از روایات منابع اسلامی بازتاب یافته است.

۲. تصویر رأس الجالوت در منابع اسلامی

از مجموعه روایاتی که درباره رأس الجالوت در منابع اسلامی آمده سه دسته عمده تفکیک‌شدنی است: ۱. دسته‌ای از روایات که بر مقام علمی و مذهبی و عالی‌رتبه

رأس الجالوت تأکید دارند؛ ۲. دسته‌ای از روایات که، در عین ذکر مقام شامخ وی، بر قدرت‌های غیرمعمول، رازآمیز، و خارق‌العاده رأس الجالوت تأکید دارند؛ ۳. دسته‌ای از روایات که زبان و فضایی هم‌دلانه میان رأس الجالوت و جوامع و شخصیت‌های شیعی را به تصویر می‌کشند.

در این پژوهش، روایات منابع اسلامی در این سه گروه دسته‌بندی می‌شود و در مجموع دو موضوع اصلی، یکی کلیت ذهنیت مسلمانان و چگونگی تلقی آن‌ها درباره این مقام یهودی و دیگر فضای هم‌دلانه‌ای که میان این مقام یهودی و شخصیت‌های شیعی در منابع اسلامی بازتاب یافته، بررسی و تحلیل می‌شود. درباره این فقرة اخیر این پرسش مطرح است که چنین زبان و ذهنیت هم‌دلانه‌ای در چه زمینه فکری و فرهنگی و به چه شکلی میان این دو گروه وجود داشته است؛ هم‌چنین، این فرض را می‌توان مطرح کرد که محتمل است مورخان و نویسندگان مسلمان، به سبب جایگاه والای علمی و دینی رأس الجالوت، که در میان توده مردم شهرت داشته، از اعتبار علمی و دینی این مقام یهودی برای تأکید بر حقانیت خود بهره‌برداری کرده باشند.

۱.۲ روایات درباره مقام والای علمی و مذهبی رأس الجالوت

عمده روایات حاکی از باور عمومی درباره مقام علمی و جایگاه والای دینی رأس الجالوت در میان یهودیان و نیز مسلمانان بود. در برخی از منابع (مسعودی بی‌تا: ۹۸، ۱۰۵) از جلسات علمی با حضور رأس الجالوت و مناظره علمای مسلمان و یهودی با وی سخن گفته شده است. مسعودی از اختلاف نظر میان رأس الجالوت و یکی از علمای بزرگ یهود خبر داده و نوشته است که خلیفه مقتدر عباسی مجلسی از بزرگان و علما شکل داد تا میان ایشان حکمیت شود. تأکید بر شخصیت علمی و جایگاه والای اجتماعی رأس الجالوت در عمده منابع دیده می‌شود. بنیامین تطیلی / تودلایی (۲۰۰۲ م: ۲۴) در سفرنامه خود اشاره کرده است که، به هنگام عبور رأس الجالوت از معابر، همه مردم، اعم از یهود و مسلمان، بایستی قیام می‌کردند و آداب احترام را به جا می‌آوردند و عقوبت کسانی که بی‌احترامی روا می‌داشتند صد ضربه تازیانه بود (دوری ۲۰۰۷ م: ج ۳، ۱۱۴). ذکر مجازات بی‌احترامی نشان می‌دهد که در میان گروه‌هایی از مسلمانان همواره بدبینی‌هایی درباره این مقام وجود داشته است. چنان‌که ابن فوطی (۱۹۹۷ م: ۲۷۰) نیز درباره روز انتخاب دانیال بن شموئیل به این مقام در سال ۶۴۶ نقل کرده است که گروهی از عامه در راه متعرض وی شدند و به او سنگ انداختند، اما مأموران آن‌ها را بازداشتند و گروهی را نیز گرفتند و به زندان انداختند.

بازتاب داده‌های منابع اسلامی درباره ریاست جامعه یهودیان ذمی (رأس الجالوت)؛ ... ۱۲۱

براساس آنچه از منابع اسلامی (برای نمونه بنگرید به مقریزی ۲۰۰۲ م: ۴؛ همان: ج ۲، ۹۴۴) فهمیده می‌شود، دانش رأس الجالوت فقط در علوم دینی خلاصه نمی‌شد. مثلاً، گفته شده است که عانان بن داود، رأس الجالوت سده دوم و مؤسس فرقه عنانیه، تقویم یهودی را اصلاح کرد و مبنای آن را براساس رؤیت هلال اسلامی قرار داد و نیز با احتساب کیسه تقویم را به گونه‌ای تغییر داد تا مشکلات مربوط به تناسب زمان کشت و زرع محصولات و زمان بندی اخذ مالیات‌های کشاورزی مرتفع شود. دانش رأس الجالوت از اجتماع یهودیان و چگونگی تعامل آن‌ها با مسلمانان نیز در حدی بود که می‌توانست به عنوان مقام رابط بین جامعه یهودی و دربار اسلامی نقش ایفا کند و مرجع اصلی مشکلات پدیدآمده در این تعامل اجتماعی به شمار می‌آمد (ذیلابی ۱۳۹۲ ش: ۳-۱۵).

۲.۲ روایات درباره قدرت‌های خارق‌العاده رأس الجالوت

روایات دسته دوم عمدتاً افسانه‌گون و غیرواقعی می‌نماید و از لحاظ ارزش خبری اهمیت چندانی ندارد؛ اما از لحاظ تاریخ اجتماعی و شکل‌دهی تضمینی اجتماعی و اثرگذار بر روابط متقابل جوامع مسلمان و یهودی و نیز تاریخ فرهنگی و بازتاب ذهنیت‌های مسلمانان و مورخان مسلمان درباره این مقام یهودی حائز اهمیت بسیار است.

طبری در تاریخ (۱۹۶۷ م: ج ۷، ۵۳۴، ذیل «حوادث ۱۴۴») و ابن جوزی در المنتظم (۱۹۹۲ م: ج ۸، ۴۷) نقل کرده است که منصور عباسی آینه جهان‌نمایی داشت که همه جهان و حوادث مهم را در آن می‌دید و این آینه از آدم ابوالبشر به سلیمان بن داوود رسیده و سپس به دست شیاطین افتاده بود؛ اما بخشی از آن به رأس الجالوت رسیده و بعد از آن میان رأس الجالوت‌ها دست‌به‌دست می‌شده است. رأس الجالوت معاصر مروان بن محمد اموی حوادث ناخوشایندی در آن دید و برای خلیفه بازگفت و سرش را بر سر آن از دست داد و به دستور خلیفه کشته شد. اما وقتی منصور به خلافت رسید، این آینه را تصاحب کرد. به تعبیر ابن جوزی، منصور شورشیان فراری را از روی اطلاعات این آینه تعقیب می‌کرد و می‌توانست دوست و دشمن را در آن آینه تشخیص دهد. به نظر می‌رسد، علاوه بر بهره‌برداری سیاسی، که در تبلیغات سوء علیه امویان و نیز برای کنترل اوضاع سیاسی قلمرو و شورشیان از انتشار این دست‌روایات و جعلیات حاصل دربار عباسی می‌شد، این روایت حاکی از آن است که مقام رأس الجالوت صرفاً به عنوان ریاستی تشکیلاتی و اداری تلقی نمی‌شد و در نگاه مسلمانان این مقام در تداوم جایگاه پیامبران بنی اسرائیل فهمیده می‌شد؛

چنان‌که انبوه احادیث نبوی درباره جایگاه احترام‌آمیز موسی و هارون ناظر بر همین منزلت اجتماعی بود و براین اساس تنها مرجعی که می‌توانست این باور را برای عوام پذیرفتنی کند دخالت‌دادن رأس‌الجالوت در سلسله وارثان این آینه جادویی بود.

ابن‌فقیه (د حدود ۳۳۰ ق) در *البلدان* (۱۹۹۶ م: ۳۷۸-۳۷۹) و قزوینی (د ۶۸۲ ق) در *آثارالبلاد* (۱۹۹۸ م: ۳۰۴-۳۰۵) ذیل «عجائب‌الامصار» درباره شگفتی‌های بابل از اعتقاد مردم درباره اطلاع رأس‌الجالوت از مکان تجلی هاروت و ماروت سخن گفته و در روایتی مفصل جزئیات ملاقات هاروت و ماروت به‌راهنمایی رأس‌الجالوت را تشریح کرده‌اند. به نوشته ایشان، مجاهد، از محدثان و ماجراجویان مسلمان، مشتاق بود هاروت و ماروت را رؤیت کند؛ به‌همین دلیل، به سراغ رأس‌الجالوت رفت و آن دو به‌اتفاق به مکان عذاب آن‌ها رفتند... هاروت و ماروت چون دو کوه عظیم با زنجیری از آهن از پا آویزان بودند. رأس‌الجالوت از قبل تأکید کرده بود که در نزدیکی آن‌ها ذکر خدا جاری نشود؛ اما مجاهد از هیبت و عظمت آن‌ها نام خدا را بر زبان آورد؛ آن‌ها با شنیدن نام خدا دچار تکانه‌های شدید شدند و مدت‌ها طول کشید تا آرام شوند.

این روایات جملگی بیش‌از آن‌که حاکی از رخدادی تاریخی باشد، نشان‌دهنده ذهنیت مسلمانان یا دست‌کم شیوه تلقی مورخان مسلمان از توانایی‌های خارق‌العاده رأس‌الجالوت است. گروه‌های گوناگون یهودی و به‌ویژه رؤسای دینی آن‌ها در میان مسلمانان وارث سنت‌های جادویی و خارق‌العاده شناخته می‌شدند و عامه مردم در تحلیل و تفسیر بسیاری از امور غیرمنطقی یا خرافی ردپایی از یهودیان ترسیم می‌کردند و علمای یهودی، از جمله رأس‌الجالوت، از خبرگان این دست امور شناخته می‌شدند.

۳.۲ روایات درباره فضای هم‌دلانه میان رأس‌الجالوت و شخصیت‌های شیعی

براساس دسته‌ای دیگر از روایات، چنین برمی‌آید که زبان و فضای هم‌دلانه‌ای میان ریاست جوامع یهودیان، یعنی مقام رأس‌الجالوت، و جوامع شیعی و شخصیت‌های بزرگ شیعه وجود داشته است. ذکر برخی از این روایات در منابع اهل سنت و بررسی آن‌ها در بازنمایی این مبحث اهمیت دارد: برقی (د ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق) در *المحاسن* (۱۳۷۱ ش: ج ۱، ۲۴۰)، که از قدیم‌ترین منابع حدیثی شیعه به‌شمار می‌رود، به‌تفصیل مناظره علمی میان علی بن ابی‌طالب، علیه‌السلام، و رأس‌الجالوت، معاصر وی، را درباره وجود خدا و توحید وصف کرده است. ظاهراً جملات درخشان و مشهور علی، علیه‌السلام، درباره توحید^۱ در همین

بازتاب داده‌های منابع اسلامی درباره ریاست جامعه یهودیان ذمی (رأس الجالوت)؛ ... ۱۲۳

مناظره مطرح شده و منابع سده چهارم از جمله عیاشی (د ۳۲۰ ق) در تفسیر (۱۳۸۰ ش: ج ۱، ۳۳۰-۳۳۱؛ همان: ج ۲، ۳۲) و کلینی (د ۳۲۹ ق) در کافی (۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۸۹-۹۰، ۲۲۴-۲۲۶) و ابن بابویه (د ۳۸۱ ق) در توحید (۱۳۹۸ ق: ۱۷۵-۱۷۶) و ... همین مطلب را تکرار و تأیید کرده‌اند. در پایان، رأس الجالوت به علم وسیع امام شهادت داد (همان). در برخی منابع این نکته افزوده شده که در پایان مناظره رأس الجالوت به حقانیت دین اسلام و بطلان جز آن شهادت داد (همان).

ابن حیون/ قاضی نعمان، داعی مشهور «فاطمیان» (د ۳۶۳ ق)، در شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، علیه‌السلام (۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۰۴-۱۰۵)، مجلس گفت‌وگوی معاویه، امام حسن و حسین، علیه‌السلام، مروان بن حکم، و رأس الجالوت را چنین روایت کرده است: در این جلسه معاویه از فصاحت امام حسن شگفت‌زده شد و مروان گفت: «ایشان جوانی است که این سخنان را در عراق آموخته». امام حسین فرمود: «این علوم فضل خدای تعالی است بر ما» و در ادامه از وجود شهر بلسا در شرق و بلقا در غرب سخن گفت. رأس الجالوت، مثل بیش‌تر روایاتی از این دست، داور نهایی جلسه بود که گفت: «همه سخنان حسن و حسین صحیح است و این دو شهر را هیچ کس در عالم نمی‌شناسد مگر پیامبران یا اوصیا و فرزندان ایشان».

ابن سعد در الطبقات الکبری (۱۹۹۰ م: ج ۵، ۸۴) روایت کرده است که در محضر عبدالملک بن مروان مجادله‌ای میان محمد بن حنفیه و حجاج بن یوسف ثقفی درگرفت. در این مجلس، محمد بن حنفیه، در مقام تحذیر حجاج، احادیثی نقل کرد که ظاهراً بی‌سابقه بود و کس دیگری تا آن زمان نقل نکرده بود. برای درستی آزمایشی سخنان وی، خلیفه رأس الجالوت را احضار کرد و او شهادت داد که این سخنان فقط از «بیت نبوت» می‌تواند صادر شده باشد.

هم‌چنین، کتاب اخبار الدولة العباسیه و فیها اخبار العباس و ولده (۱۳۹۱ ق: ۱۷۱-۱۷۲)، که در اصل برای مشروعیت‌بخشیدن به خلافت عباسی تنظیم شده، حاوی روایاتی در طرف‌داری رأس الجالوت از خاندان عباسی به‌عنوان اهل بیت و نزدیکان پیامبر اسلام است. از جمله آمده است که روزی ابوجعفر (منصور)، ابوالعباس (سفاح)، پدرشان (محمد بن علی)، و رأس الجالوت در مجلس هشام بن عبدالملک اموی بودند. پس‌ازاین‌که هشام آن سه تن را به رأس الجالوت معرفی کرد و نسبت آن‌ها را با پیامبر اسلام معلوم ساخت، رأس الجالوت گفت: «پس ایشان بر جایگاه خلافت اولی هستند. یهودیان مرا، که چهل پشت تا پیامبرم فاصله دارم، رئیس خود می‌دانند و شما مسلمانان نزدیک‌ترین کسان به خاندان پیامبرتان را

وانهاده‌اید؟» این سخنان خشم هشام را برانگیخت و به حاجب دستور داد او را از جلسه اخراج کنند. این روایت، علاوه بر استفاده سیاسی عباسیان، حاکی از این نکته هم می‌تواند باشد که ظاهراً هم یهودیان و هم عباسیان نخستین و گروه‌های دیگر شیعی در مبحث مشروعیت امام و پیشوا بر قرابت نسبی با نبی تأکید داشتند و از این لحاظ شباهت‌هایی میان ساختار اندیشه کلامی و سیاسی این دو گروه وجود داشته است. بازتاب این اندیشه در برخی منابع سنی و تأکید آن‌ها بر این شباهت کلامی یهودی-شیعی مبحثی جالب و درخور پژوهش است. برای نمونه، ابن تیمیه تصریح می‌کند، همان‌گونه که یهودیان به ریاست فرزندان داوود معتقدند، شیعیان نیز به فرزندان علی اعتقاد دارند (Steven 1995: 108). خلافت عباسی، که از اساس مشروعیت را بر قرابت نسبی با پیامبر استوار ساخته بود، از این وجه اشتراک سود می‌برد و هم‌سویی یهودیان در تأکید بر نسب داوود را، به‌منزله الگوی دینی متناظر در جامعه، فرصت تبلیغی مفیدی برای تفهیم مشروعیت خود در میان عوام مردم تلقی می‌کرد. از این رو، برخی پژوهش‌گران (Cohen 2000: 85) برآن‌اند که این شباهت‌ها باعث شده بود روند جامعه‌پذیری یهودیان در دوره عباسیان به مراتب سهل‌تر از دیگر گروه‌های ذمی، مثل مسیحیان، پیش رود و دولت تعامل بهتری با این گروه داشته باشد. تنفیذ رأس‌الجالت از سوی خلیفه عباسی و عهدنامه‌ای که در روز جلوس رأس‌الجالت دربار تنظیم و آن را قرائت می‌کرد (ابن ساعی ۱۹۳۴ م: ۲۶۶-۲۶۷، ۲۸۳)، و روابط نزدیک و گسترده رأس‌الجالت با دربار حاکی از جایگاه علمی-تشکیلاتی سازمان‌یافته ریاست یهودیان در جامعه اسلامی بود و نشان‌دهنده ساختار به‌کلی متفاوت تعامل این گروه با دولت عباسی در قیاس با دیگر گروه‌های ذمی.

درواقع، عمده روایاتی که درباره رأس‌الجالت در منابع سده‌های نخستین اسلامی دیده می‌شود دو رویه هم‌سو را هم‌زمان در خود پنهان دارد: نخست این‌که بیش‌تر مؤید دیدگاه‌های شیعی است، اعم از شیعه اثنی‌عشری یا اسماعیلی و حتی داعیان عباسی و کیسانی، و دیگر این‌که اگر جنبه انتقادی دارد، مخاطب انتقاد دولت اموی و خلفای پیشین منفوری است که عباسیان در آغاز در حد وسیعی قدرت خود را بر موج مخالفت‌های عمومی با آن‌ها سوار کرده بودند. مثلاً، حجم درخور توجهی از این دست روایات بر انتقاد از عملکرد امویان در ستیز با حسین بن علی، علیه‌السلام، و واقعه شهادت ایشان و یارانشان تمرکز یافته است: برای نمونه، ابن‌سعد (۱۹۹۰ م: ج ۶، ۴۵۲) درباره اموری که بعد از شهادت امام حسین، علیه‌السلام، نقل شده این خبر را آورده که رأس‌الجالت مسلمانان را در قتل حسین، علیه‌السلام، سرزنش کرده است. هم‌چنین، پیش‌گویی واقعه کربلا نیز به

بازتاب داده‌های منابع اسلامی درباره ریاست جامعه یهودیان ذمی (رأس الجالوت)؛ ... ۱۲۵

رأس الجالوت / ابن رأس الجالوت نسبت داده شده است (برای نمونه بنگرید به ابن سعد ۱۹۹۰ م: ج ۶، ۴۵۵؛ طبری ۱۹۶۷ م: ج ۵، ۳۹۳؛ ذهبی ۱۹۹۳ م: ج ۵، ۱۶). طبری (۱۹۶۷ م: ج ۵، ۳۹۳؛ نیز بنگرید به ابن اثیر ۱۹۶۵ م: ج ۴، ۹۰) روایت کرده است که رأس الجالوت از پدرش نقل می‌کرد که او هرگاه از مکان کربلا می‌گذشت به تاخت و باعجله از آن محل دور می‌شد، چون در روایات یهودی آمده بود که در این مکان یکی از فرزندان انبیا کشته خواهد شد. او از بیم جان خود می‌گریخت تا زمانی که در ۶۰ ق شنید حسین بن علی، نوه پیامبر اسلام، در این جا کشته شده و پس از آن دیگر در عبور از آن جا شتاب نمی‌کرد. هم‌چنین، به نوشته ابن سعد (۱۹۹۰ م: ج ۱، ۵۰۶؛ نیز بنگرید به ذهبی ۱۹۹۳ م: ج ۵، ۱۶)، عبدالملک اموی از رأس الجالوت پرسید: «آیا در قتل حسین بن علی نشانه‌ای می‌توانی بازگویی؟» او پاسخ داد: «از آن زمان تا اکنون هر سنگی را که از زمین برداری لایه‌ای از خون ذبیحه‌ای بی‌دلیل کشته شده را زیر آن خواهی یافت».^۲ ابن سعد (۱۹۹۰ م: ج ۱، ۴۹۸) به سخن دیگری نیز از زبان رأس الجالوت اشاره کرده است که خطاب به مسلمانان آن‌ها را در قتل حسین، علیه‌السلام، ملامت کرد و گفت: «میان من و جدم، داوود، هفتاد پشت فاصله است. باین حال، یهودیان به‌همین سبب مرا بزرگ می‌دارند و احترام می‌کنند. میان شما و پیامبرتان یک پشت فاصله بود و نوه‌اش را کشتید!» به نوشته ابن اثیر (۱۹۶۵ م: ج ۴، ۹۰)، پس از قتل حسین بن علی برخی شب‌ها نوایی در خیابان‌های مدینه شنیده می‌شد که قاتلان حسین را ابن داوود (رأس الجالوت) و موسی و صاحب انجیل نیز لعنت می‌فرستند.^۳ هم‌چنین، مرجانی (سده هشتم) در کتاب *بہجة النفوس والاسرار فی تاریخ دار هجرة النبوی المختار* (۱۴۲۵ ق: ج ۲، ۹۷۹-۹۸۰) نوشته است که رأس الجالوت به‌همراهی مصعب بن زبیر وارد قبرستان بقیع شد و گفت: «این جا همان مکانی است که ذکر آن در تورات آمده و صورت هریک از این اهل بیت و اصحاب مدفون در این جا مثل ماه تمام می‌درخشد».

هم‌چنین، مناظره رأس الجالوت با امام‌رضا، علیه‌السلام، در دربار مأمون عباسی (حک: ۱۹۸-۲۱۸ ق) در منابع شیعی با نام «حدیث رأس الجالوت» و شرح‌های آن شهرت بسیار دارد (کلینی ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۸۹-۹۰؛ آقابزرگ طهرانی ۱۹۷۵ م: ج ۲، ۴۲۲؛ همان: ج ۱۳، ۱۹۹؛ همان: ج ۱۶، ۷۰، ۳۴۰-۳۴۱؛ ابن بابویه ۱۳۹۸ ق: ۴۱۷-۴۳۱). گفته می‌شود در این مجلس علمای بزرگ ادیان و فرق مختلف از زردشتیان و صابئین و نصارا و ... حضور داشتند. امام رضا، علیه‌السلام، با تک‌تک آن‌ها مناظره کرد و براساس دین و کتاب خودشان به پرسش‌هایشان پاسخ گفت تا نوبت به رأس الجالوت یهود رسید. امام شمه‌ای از تاریخ یهود (از مصائب بخت‌النصر تا تبعید ایشان به بابل) و سپس محتوای آیاتی از تورات

را عرضه فرمودند که باعث شگفتی رأس الجالوت شد. هم‌چنین، در پاسخ پرسش رأس الجالوت درباره اثبات نبوت پیامبر، شواهدی از تورات درباره پیامبری شترسوار از جبل فاران (کوه‌هایی نزدیک مکه) قرائت فرمود. رأس الجالوت در پایان، در کمال شگفتی و حیرت از سخنان امام به اسلام گروید و شهادتین بر زبان آورد.

باتوجه به محتوای حدیث و پایان مناظره، که به اسلام آوردن رأس الجالوت ختم شده، شروع مختلفی (حدود نه شرح) بر این حدیث نوشته شده است. قدیم‌ترین شرح را قاضی سعید قمی (د ۱۱۰۴ ق) با نام *الفوائد الرضویة* (آقابزرگ طهرانی ۱۹۷۵ م: ج ۱۶، ۳۴۰-۳۴۱) نگاشته است. دیگر مشاهیر شیعه، مثل عبدالصاحب نراقی (همان: ج ۱۳، ۱۹۹؛ همان: ج ۱۶، ۲۰۳)، و امام خمینی بر این حدیث شرح نوشته‌اند. شروع کم‌تر مشهور دیگری نیز بر حدیث رأس الجالوت نگاشته شده است؛ از جمله کتاب *غنیمة الحجاز فی حل الالغاز* (همان: ج ۱۶، ۷۰)، نوشته محمد بن حسن طوسی (د ۱۲۵۷ ق). محتوای این مناظره پرسش‌های اصلی رأس الجالوت از امام رضا، علیه‌السلام، درباره مفهوم و ماهیت کفر و ایمان و بهشت و جهنم است.

علاوه بر این سه دسته روایت، که به‌طور روشن‌تری بر موضوع پژوهش دلالت دارد، در برخی منابع نیز به نکاتی شاذ درباره شباهت‌های سنت شیعی - یهودی و عقاید عوام مردم درباره این منصب یهودی اشاره شده است. بیرونی در *الآثار الباقیة عن القرون الخالیة* (۱۳۸۰ ش: ۶۷) روایت جالبی بیان کرده است: یک ویژگی مشترک عقاید عوام یهودی و شیعی این بوده که رأس الجالوت از لحاظ فیزیک بدن به نحوی بود که وقتی می‌ایستاد نوک انگشتان دستش تا نزدیک زانویش می‌رسید (درباره این ویژگی جسمانی رأس الجالوت نیز بنگرید به بلاذری ۱۹۹۶ م: ج ۸، ۹۳؛ همان: ج ۹، ۱۴۵) که این نشانه صدق وی و نسب درست او بود. به نوشته بیرونی، عامه مردم معتقد بودند که همین ویژگی را علی بن ابی طالب و ذریه راستین او نیز دارند.

این سلسله روایات با ذهنیت‌های سه‌گانه یادشده حاکی از تداوم این ذهنیت فرهنگی و اجتماعی در جوامع شیعی است و تداوم این روایت‌ها، خود، مولد سنتی روایی و فکری بود؛ سنتی که نشان‌دهنده کارکرد بیان دینی در شکل‌دهی ارتباطات اجتماعی است. این سنت، به‌روشنی به عاملی تسهیل‌کننده در روند جامعه‌پذیری یهودیان در جامعه اسلامی تبدیل شده بود؛ مسئله‌ای که توجه به آن در بررسی چگونگی ابعاد فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی و تعامل مسلمانان با اقلیت‌های دینی، به‌ویژه در سده‌های اولیه و میانه، راه‌گشای بسیاری از غوامض فرهنگی و اجتماعی است.

۳. نتیجه‌گیری

براساس مجموعه داده‌های منابع اسلامی درباره مقام رأس الجالوت، می‌توان گفت مسلمانان رئیس جامعه یهودیان ذمی (رأس الجالوت) را مقامی علمی - مذهبی و عالی‌رتبه و در عین حال رازآمیز و مرتبط با قدرت‌های غیرمعمول، مثل قدرت پیش‌گویی، تلقی می‌کردند. تکرار روایاتی درباره پیش‌بینی شهادت حسین بن علی از سوی رأس الجالوت و ملامت مسلمانان در باب کشتن فرزند پیغمبرشان یا گزارش مناظرات علمی امامان شیعه با مقام رأس الجالوت علاوه بر نشان دادن جایگاه مهم علمی و رازورانه آن، تاحدی نشان‌دهنده فضایی هم‌دلانه با جامعه مسلمان شیعی - عباسی نیز بوده است. در واقع، این دست روایات نشان‌دهنده ذهنیت مورخانی است که عمدتاً در دوره عباسی و برای کمک به تبیین مشروعیت آن‌ها قلم زده‌اند؛ مشروعیتی که در آغاز بر برخی از مفاهیم شیعی از جمله قرابت نسبی با پیامبر و نیز مخالفت با خاندان اموی استوار شده بود. این فضای هم‌دلانه باعث شده بود که روند جامعه‌پذیری یهودیان در دوره عباسیان به مراتب سهل‌تر از دیگر گروه‌های ذمی پیش رود و دولت تعامل بهتری با این گروه داشته باشد تا جایی که جایگاه ریاست جامعه یهودیان ذمی به تدریج به مقامی تعریف‌شده و معین در تشکیلات درباری عباسیان تبدیل شد. این شیوه بیان دینی می‌توانست کارکردهای اجتماعی و فرهنگی برای هم‌سازی اجتماعی جوامع اقلیت و اکثریت داشته باشد؛ به‌خصوص که چنین شیوه بیانی در ادبیات متون دینی تا عصر حاضر هم‌چنان ادامه یافته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. كان بلا كينونه كان لم يزل بلاكم و بلا كيف كان ليس له قبل و لا غايه و لا منتهى غايه و لا غايه اليها انقطعت عنه الغايات فهو غايه كل غايه.

۲. ما كشف يومئذ حجر الا وجد تحته دم عبيط.

۳.

ابها القاتلون جهلا حسينا	ابشرو بالعذاب و التنكيل
كل اهل السماء يدعو عليكم	من نبى و ملك و قبيل
قد لعنتم على لسان ابن داود	و موسى و صاحب الانجيل

کتاب‌نامه

ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.

١٢٨ تحقيقات تاريخ/اجتماعي، سال هفتم، شماره دوم، پاييز و زمستان ١٣٩٦

- ابن بابويه، محمد بن علي (شيخ صدوق) (١٣٩٨ ق)، التوحيد، به كوشش هاشم حسيني، قم: جامعه مدرسين.
- ابن جوزي، علي بن محمد (١٤١٢ ق / ١٩٩٢ م)، المنتظم في تاريخ الأمم والملوك، به كوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن حزم، علي بن محمد (١٩٧٥ م)، جمهرة انساب العرب، به كوشش عبدالسلام محمد هارون، القاهرة: دارالمعارف.
- ابن حيون، قاضي نعمان (١٤٠٩ ق)، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار، عليهم السلام، به كوشش محمد حسين حسيني جلالى، قم: جامعه مدرسين.
- ابن ساعي (١٣٥٣ ق / ١٩٣٤ م)، الجامع المختصر، به كوشش مصطفى جواد، بغداد: بي جا.
- ابن سعد، محمد بن سعد (١٤١٠ ق / ١٩٩٠ م)، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب.
- ابن فقيه، محمد بن اسحاق (١٤١٦ ق / ١٩٩٦ م)، البلدان، به كوشش يوسف الهادي، بيروت: عالم الكتب.
- ابن فوطي، عبدالرزاق بن احمد (١٩٩٧ م)، الحوادث الجامعة، به كوشش بشار عواد معروف و عماد عبدالسلام رؤوف، بيروت: دارصادر.
- آقايبرگ طهراني (١٩٧٥ م)، الذريعة، بيروت: دارالاضواء.
- برقي، احمد بن محمد بن خالد (١٣٧١ ش)، المحاسن، به كوشش جلال الدين محدث ارموي، قم: كتابخانه محدث ارموي.
- بلاذري، احمد بن يحيى (١٤٢٧ ق / ١٩٩٦ م)، انساب الاشراف، به كوشش سهيل زكار و رياض زركلي، بيروت: دارالفكر.
- بيروني، ابوريحان (١٣٨٠ ش)، الآثار الباقية عن القرون الخالية، به كوشش پرويز اذكايي، تهران: ميراث مكتوب.
- تطيلي، بنيامين (١٤٢٣ ق / ٢٠٠٢ م)، رحلة بنيامين التطيلي، ترجمة عزرا حداد، به كوشش عبدالرحمن عبدالله شيخ، ابو ظبي: المجمع الثقافي.
- دوري، عبدالعزيز (٢٠٠٧ م)، اوراق في التاريخ والحضارة، بيروت: دارالغرب الاسلامي.
- ذهبي، محمد بن احمد (١٤١٣ ق / ١٩٩٣ م)، تاريخ الاسلام، حوادث و وفيات ٦٠-٨١ ق، به كوشش عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دارالكتاب العربية.
- ذيلابي، نگار (١٣٩٢ ش)، «تشكيلات نهاد رأس الجالوت در شرق اسلامي»، تاريخ و تمدن اسلامي، ش ١٨.
- طبري، محمد بن جرير (١٩٦٧ م)، تاريخ الطبري؛ تاريخ الأمم والملوك، به كوشش محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت: بي نا.
- عياشي، محمد بن مسعود (١٣٨٠ ش)، تفسير، به كوشش سيد هاشم رسولي محلاتي، تهران: المطبعة العلمية.
- قزويني، زكريا بن محمد بن محمود (١٩٩٨ م)، آثار البلاد و اخبار العباد، بيروت: دارصادر.

بازتاب داده‌های منابع اسلامی دربارهٔ ریاست جامعهٔ یهودیان ذمی (رأس الجالوت)؛ ... ۱۲۹

کتاب مقدس، ترجمهٔ قدیم.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، به کوشش علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

لوی، حبیب (۱۳۳۹ ش)، *تاریخ یهود ایران*، تهران: کتاب‌فروشی یهودا بروخیم.

مرجانی، عبدالله بن عبدالملک (۱۴۲۵ ق)، *بهجة النفوس و الاسرار فی تاریخ دار هجرة النبی المختار*، ریاض: بی‌نا.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (بی‌تا)، *التنبيه و الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة: دارالصاوی.

مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی (۲۰۰۲ م)، *خطط*، به کوشش ایمن فؤاد سید، لندن: مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامیه.

Cohen, Mark R. (2000), "Sociability and the Concept of Galut in Jewish-Muslim Relations in the Middle Ages", in: *Judaism and Islam, Boundaries, Communications, and Interaction*, Benjamin H. Hary et al. (ed.), Leiden: Brill.

Encyclopedia of Jews in the Islamic World (2010), Norman A. Stillman (ed.), Leiden-Boston, s.v. "Exilarch and Exilarchate", by Arnold Franklin.

Judaica (1971), s.vv. "Exilarch. Until the Arab Conquest", by Ja. N.; "Exilarch, During the Arab Period", by El. B., New York.

Steven, M. (1995), *Between Muslim and Jew: the Problem of Symbiosis under Early Islsm*, Princeton University Press.

The Jewish Encyclopedia (1901-1906), Isidore Singer (ed.), New York, s.v. "Exilarch", by W. Bacher.